

جهانی شدن، امنیت و پلیس

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۵/۱۰

دکتر محمود یزدان فام*

چکیده

مهمترین وظیفه دولت برقراری امنیت است. تهدید امنیت یا از سوی کشورهای دیگر صورت می‌گیرد که آن را تهدید امنیت ملی می‌نامند و یا از سوی افراد و گروه‌ها داخلی علیه یکدیگر است که با تضعیف دولت و از بین رفتن نظم اجتماعی بروز می‌یابد. دولت قدرت برتر را در اختیار دارد و به منظور برقراری امنیت و اعمال حاکمیت، ابزارها و سازمان‌های را به وجود می‌آورد که نیروی نظامی و انتظامی (پلیس)، یکی از برجسته‌ترین آنهاست. نیروی انتظامی برای برقراری امنیت و آرامش در جامعه، سازمانی را به وجود آورده و بر اساس برداشت خود از محیط تهدید، ابزارها و شیوه‌های تهدید، راهبردها و تاکتیک‌هایی را برای تأمین هدف در پیش می‌گیرد. هرچند پلیس ثابت است، اما محیط امنیتی، ابزارها و شیوه‌های تهدید و برقراری امنیت در حال تغییر است. جهانی شدن یکی از عوامل مؤثر در این تغییر و تحول، در دو دهه گذشته بوده است. در این مقاله، سازوکار تأثیرگذاری جهانی شدن بر مأموریت‌ها و راهبردهای پلیس در جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: پلیس، امنیت، جهانی شدن، قدرت، زور مشروع، نظم اجتماعی

* عضو هیأت علمی و مدیر گروه مطالعات بین‌الملل در پژوهشکده مطالعات راهبردی

Yazdanfam @ gmail.com

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۴

مقدمه

امنیت، اساسی‌ترین نیاز انسان‌ها در زندگی است. ناامنی چالشی بزرگ برای انسان‌ها و جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. جنگ، تاریخی به سان تاریخ خلق انسان و پیدایش جوامع بشری دارد. به همان صورت، دغدغه انسان‌ها به منظور یافتن راهی برای تأمین امنیت، تاریخی به بلندای تاریخ تمدن بشری دارد. انسان‌ها و جوامع بشری، راه‌های گوناگونی را برای تأمین امنیت آزموده‌اند. این تلاش‌ها ضمن اینکه تمدن‌آفرین بودند، پیامدهای ویرانگری نیز داشتند. تلاش برای رسیدن به امنیت، به اقدامات گوناگونی منجر شده که گاهی برای جوامع دیگر بسیار هراس‌آور بوده است. تشکیل جوامع و شکل دادن به دولت ملی و جوامع بین‌المللی در ذیل تلاش انسان‌ها برای تأمین امنیت جای می‌گیرند. اصلی‌ترین وظیفه دولت ملی که مهمترین دستاورد بشری محسوب می‌شود و به شکوفایی بیشتر تمدن انسانی و پیشرفت آن در جهان منجر شده است، تأمین امنیت در داخل و مقابله با هجوم احتمالی دولت‌های دیگر به سرزمین و اتباع آن است. (۱)

دولت، انحصار استفاده از زور مشروع را در اختیار دارد و این زور به دولت قدرت می‌دهد با استفاده از آن، به مهمترین وظیفه خود که برقراری امنیت در جامعه است، عمل کند. در عین حال، قدرت دولت صرفاً بر استفاده از زور مبتنی نیست و امنیت، صرفاً به جلوگیری از تهدید مسلحانه افراد علیه یکدیگر و یا سایر بازیگران علیه دولت و اتباع آن محدود نمی‌شود. دولت کارویژه‌های دیگری دارد و از ابزارها و چهره‌های متفاوت قدرت برای رسیدن به هدف و انجام وظایف خود بهره می‌گیرد. (۲) دولت دارای ایدئولوژی مشروعیت‌ساز و کارویژه‌های سیاسی و اقتصادی است که در صورت بهره‌گیری مناسب از آنها، می‌تواند به حکومت خود اقتدار لازم را برای اعمال حاکمیت در داخل و مقابله با مداخله کشورهای خارجی اعطا نماید. (۳)

قدرت و امنیت مفاهیمی سیال، پیچیده و اجتماعی هستند که با گذشت ایام، بروز رویدادها و تحول نگرش‌ها و برداشت‌ها متحول می‌شوند و ابعاد جدیدی می‌یابند و مصداق متفاوتی پیدا می‌کنند. همچنین، به همراه تحول در این مفاهیم و مصداق آنها، کارگزاران و نحوه فهم، به کارگیری و تأمین آنها نیز متحول می‌شوند. (۴)

به طور مشخص، در نگاه سنتی، امنیت مردم از دو سو مورد تهدید است. تهدید مردم علیه یکدیگر در درون جامعه و تهدید جوامع و دولت‌های دیگر از بیرون. دولت‌ها موظف به مقابله با تهدیدهای درونی یعنی افراد و سازمان‌ها علیه یکدیگر در محدوده قلمرو کشور هستند. تهدیدهای بیرونی ناشی از بازیگران خارجی هستند که از منظر رویکردهای سنتی، دولت‌ها می‌باشند.

دولت‌ها برای مقابله با این دو نوع تهدید، دو نوع سازمان و نهاد نظامی و انتظامی دارند که اولی به منظور مقابله با تهدیدات خارجی و دومی با هدف برقراری نظم در داخل کشور ایجاد می‌شوند. با وجود این، در مواردی، دولت‌ها از این نیروها در جای دیگر هم استفاده می‌کنند و یا نیروی دیگری را برای تقویت این نیروها و افزایش میزان کارایی دولت در برقراری امنیت و مقابله با تهدیدات ایجاد می‌نمایند. پلیس، نام دیگر نیروی انتظامی یا بخش اصلی آن است. همانگونه که ارتش معادل نیروی نظامی یا نیروی اصلی آن است.

اکنون، پرسش اصلی این تحقیق با توجه به مبانی فوق، به این شکل طرح می‌شود که جهانی‌شدن چه تأثیری در قدرت، امنیت و ماهیت و مأموریت پلیس دارد؟ برداشت مردم، دولت و پلیس به عنوان یکی از ارکان مهم برقراری امنیت در جامعه چه تأثیری دارد؟ مفروض و منظر تنظیم‌کنندگان چشم‌انداز ۱۴۰۴ در خصوص سه مقوله امنیت، قدرت و پلیس چیست و با توجه به جهانی‌شدن و پیامدهای آن، این نوع نگرش چقدر می‌تواند در موفقیت پلیس و برقراری امنیت در ایران مفید باشد؟

فرضیه اصلی این تحقیق، به این شکل قابل طرح است که جهانی‌شدن تغییری در قدرت و امنیت به عنوان هدف دولت‌ها ایجاد نکرده است، اما مفهوم امنیت و قدرت، بازیگران، شکل و شیوه‌های تهدید در دو عرصه خارجی و داخلی، به شدت تحول یافته و برقراری امنیت و در نتیجه، سازمان‌های مسئول این وظیفه خطیر را با چالش‌ها و بایسته‌های جدید روبرو کرده است که در صورت بی‌توجهی به این تحولات، ممکن است نتواند وظیفه اصلی خود را به نحو احسن انجام دهد.

برای ارزیابی این فرضیه، به پرسش‌های زیر پرداخته خواهد شد: جهانی‌شدن چه تأثیری در بروز تهدیدهای جدید و نوع تهدیدها علیه دولت و مردم کشورها به وجود آورده است؟ چه

تحولی در برداشت از قدرت به وجود آمده و توزیع قدرت در جهان چگونه است و ابزارهای اعمال قدرت کدام است؟ نیروی پلیس در گذشته برای تأمین امنیت با چه تهدیدهایی روبرو بوده و اکنون، جهانی شدن در تغییر و تحول این تهدیدها چه تأثیری گذشته و چه الزاماتی برای انجام مأموریت آن به وجود آورده است؟ چهار حوزه محیط جدید، تحول در مفهوم و نمادهای امنیت و قدرت، مأموریت پلیس در عصر جهانی شدن و الزامات آن و چشم‌انداز جهان آینده با توجه به مأموریت‌های نیروی انتظامی ایران، محورهای اساسی این نوشته است.

الف. جهانی شدن، محیط جدید و سازوکارهای تأثیرگذاری آن بر پلیس

جهانی شدن یکی از اصطلاحات پرآوازه، اما مبهم سال‌های اخیر است. خبرنگاران، سیاستمداران، مدیران اجرایی، دانشگاهیان و دیگران، هر کدام مکرر از این واژه برای اشاره به تغییرات صورت گرفته در این جهان و نظم جدید اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی در حال شکل‌گیری استفاده می‌کنند. (۵) معانی گوناگون این اصطلاح در متن‌های مختلف، تعیین موضوع محوری جهانی شدن، کارکرد و تأثیرات آن را با مشکل روبرو ساخته است. با وجود این، بدون وارد شدن به مناقشات موجود در این زمینه، به چند نگرش مهم در خصوص جهانی شدن اشاره کرده و تأثیر آن بر بروز تهدیدهای جدید طرح می‌شود.

در نگرش نخست، جهانی شدن به معنی جهانی شدن فرهنگی مشخص و ارزش‌های واحد است. در این نگرش، جهانی شدن به همسویی و هماهنگی ارزش‌ها و فرهنگ جوامع مختلف در جهان تعبیر شده است. از این منظر، یکسانی در فرهنگ و ارزش به همسویی در نگرش‌ها و رفتار منجر می‌شود. (۶) منظر دوم بر ارزش افزوده زبان و ساختار گفتمانی جهانی شدن تمرکز دارد. (۷) در منظر سوم، تأکید بر تدبیر حکومت‌داری جهانی به عنوان پاسخی سیاسی برای جهانی شدن است. (۸)

مخرج مشترک همه این نگرش‌ها با توجه به موضوع اصلی نوشته حاضر، این است که جهانی شدن موجب شکل‌گیری محیطی شده که ویژگی‌های اصلی آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

نخست، محیط جهانی شاهد تحول شدید است. هرچند تحول بخشی از ویژگی عالم هستی و نظام جهانی است، اما جهانی‌شدن موجب افزایش بی‌سابقه این تحول شده و عرصه جهانی را با تغییرات شدیدی روبرو کرده است. دوم، جوامع گوناگون در ارتباط با یکدیگر هستند و در وضعیتی قرار دارند که از آن با عنوان وابستگی متقابل گسترده و عمیق یاد می‌شود. با وجود اینکه چند دهه پیش، کوهن و جوزف نای به این پدیده پرداخته بودند، (۹) اما وابستگی متقابل کنونی عمیق‌تر است و از حوزه دولت‌ها به حوزه عمومی رسیده است. سوم، جهانی‌شدن موجب شکل‌گیری شبکه به هم پیوسته‌ای از مقررات و رژیم‌ها و مراکز تصمیم‌گیری در جهان شده که در آنها، در مورد مسایل و موضوعات جهانی یا شبه‌جهانی تصمیم‌گیری می‌شود. چهارم، باید از احساسی سخن گفت که هر روز اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری در جهان می‌یابد که همانا احساس «جامعه‌بودن» در بین مردم و نخبگان جهان است. جهانی‌بودن در چنین بستری رشد و نمو می‌یابد و تأثیرگذاری بیشتری به دست می‌آورد. بالاخره، هرچند توافق کاملی در مورد مشروعیت بسیاری از فرایندهای جهانی‌شدن وجود ندارد، اما فهم عمومی مشترکی از این فرایندها شکل گرفته که بر تعمیق قواعد و رژیم‌های جهانی بسیار تأثیرگذار است و به مرور، بر عرصه عمومی بسته داخلی کشورها و نگرش مردم بر حکومت تأثیر می‌گذارد. (۱۰)

با وجود این، جهانی‌شدن موجب کاهش اهمیت قدرت و امنیت در جهان و نزد مردم جهان نشده است. جهانی‌شدن، ابزارها و کانال‌های اعمال قدرت، صاحبان و نحوه توزیع قدرت، نگرش، نوع و شیوه‌های تهدید امنیت و روش‌های برقراری امنیت را تغییر داده است. با وجود این، قدرت همچنان متغیر اساسی در روابط بین‌الملل است و جهانی‌شدن تغییری در اهمیت قدرت در روابط بازیگران بین‌المللی به وجود نیاورده است. امنیت، همچنان هدف اساسی همه دولت‌های ملی و تلاش برای تأمین آن، فلسفه وجودی آنها را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس، عموماً آنها با توجه به کارآیی‌شان در این زمینه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. جهانی‌شدن، ابزارهای جدیدی برای برقراری امنیت یا تهدید آن به وجود آورده است. جهانی‌شدن، قدرت را سرشکن کرده و در سراسر جهان و در میان کوچکترین واحد جهانی

یعنی انسان توزیع کرده است. اکنون، تک تک انسان‌ها می‌توانند چنان قدرتی به دست بیاورند که برای امنیت ملی کشورها خطرناک و مشکل‌ساز باشد. (۱۱)

جهانی‌شدن از طریق تغییراتی که در جهان به وجود آورده، بر مأموریت‌ها و عملکرد پلیس به عنوان یکی از ارکان و ابزارهای اعمال قدرت تأثیر گذاشته است. نگاهی اجمالی به این تغییرات، سازوکار تأثیرگذاری آن را آشکار می‌سازد.

جهانی‌شدن به پیدایش عرصه عمومی در جهان انجامیده که در آن، تصمیم‌گیری در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی به فراتر از دولت‌های ملی گسترش یافته و مرزهای ملی و بین‌المللی را به شدت کدر ساخته است. در این محیط، ارتباطات فکری و ارزشی، در عرصه عمومی جهانی شکل گرفته و به سوی مراکز تصمیم‌گیری در مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی جهت می‌یابند. جامعه مدنی جهانی به بیان و برسازی ارزش‌ها و منافع جهانی کمک می‌کند. به نظر می‌رسد جهانی‌شدن، در مرحله دوم رشد خود، از مباحثه و گفتگو میان دولت‌های ملی، به سوی مباحث جهانی و جامعه مدنی جهانی پیش می‌رود و احتمالاً، به شکل‌گیری نوعی حکومت‌داری جهانی منتهی شود که در آن، عرصه عمومی جهانی و شبکه جهانی ارتباطات به شکل برجسته‌ای نمود خواهند یافت. (۱۲)

افزایش شدید مبادلات فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان در قالب‌های مادی مثل مسافرت، سرمایه‌گذاری مشترک و به شکل مجازی، مثل ارتباطات اینترنتی، علایق مردمان جوامع مختلف را به هم نزدیک کرده و آنها را نسبت به وقایع و ارزش‌های جوامع دیگر آگاه‌تر نموده است. جریان شدید و گسترده اخبار و اطلاعات در جهان و گسترش شبکه‌های خبری و خبررسانی غیرحرفه‌ای از طریق اینترنت، جهانی دیگر آفریده که با جهان پیش از آن فاصله زیادی دارد. حذف زبان، نفوذ گسترده زبان انگلیسی و افزایش توان ترجمه سریع از زبان‌های مختلف به زبان‌های دیگر، مرزها و موانع زبانی شناخت و آگاهی را به شدت کم‌رنگ خواهد کرد و نقش اساسی در گسترش عرصه عمومی در جهان برجای خواهد گذاشت. (۱۳) روندی که بر نگرش افراد از تهدید و امنیت تأثیر گذاشته و بستر جدیدی را برای بروز تهدیدهای تازه و به همان صورت، راه‌حل‌های نو فراهم خواهد آورد. بی‌توجهی به این امر می‌تواند به مانعی در به روز رسانی نهادهای امنیتی و پلیسی تبدیل شود و آنها را در تأمین امنیت کم‌توان سازد.

در عرصه عمومی بین‌المللی، دیگر دولت‌ها نیستند که بازیگران آن محسوب می‌شوند. در این عرصه، بازیگران غیردولتی نیز به شدت فعال هستند و روند رو به گسترشی را تجربه می‌نمایند. آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و علمی، فرهنگی و امنیتی فعال هستند و به تدریج، به ضرر دولت‌ها دایره نفوذ خود را گسترش می‌دهند. (۱۴) آنها دولت را از عرصه تصدی‌گری در اکثر حوزه‌ها به عقب رانده و آن را به سازمانی بسترساز و ناظر تبدیل می‌نمایند که از توان تخصصی و اجرایی پائین و توان نظارتی قابل توجهی برخوردار است.

عرصه عمومی، نسبت به نقض ارزش‌های جهانی‌شده حساسیت قابل توجه و فزاینده‌ای را نشان می‌دهد. در عرصه عمومی جهانی، از افراد، گروه‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌های جهان‌شمول حمایت شده و ابزارهای دولتی در برخورد با موارد امنیتی و پلیسی محدود می‌شود. در این عرصه، گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد رشد سریع و فراگیری دارند و به سوی سازمان‌های دورگه که هم از حقوق بشر حمایت می‌کنند و هم درصد نفوذ در دولت‌ها هستند، پیش می‌روند. (۱۵)

علاوه بر ارزش‌ها، دولت‌ها در ایجاد و انسجام‌بخشیدن به جامعه ملی در درون کشورها نقش اساسی داشتند. آنها با به انجام رساندن کارویژه‌های خود به جامعه انسجام می‌بخشند. در عصر جهانی‌شدن، دولت از انجام برخی امور ناتوان و سازمان‌های دیگر در این زمینه کارآیی بیشتری از خود بروز داده‌اند. به دلیل تضعیف شدن موقعیت کارکردی دولت در جهان و افزایش آگاهی‌های افراد از جوامع و گزینه‌های دیگر در حل و فصل امور و برطرف‌کردن مشکلات، از میزان وفاداری افراد به دولت ملی کاسته شده و به سمت جامعه بزرگتری به نام جامعه جهانی در حال سوق یافتن است. افزایش میزان وفاداری به جامعه جهانی می‌تواند به ضرر میزان وفاداری به دولت ملی و یا در تعامل با آن و به صورت هویت‌های چندلایه انسانی بروز یابد که تا زمانی که تعارضی میان آنها به وجود نیامده است، مشکل بروز نمی‌کند. (۱۶) در صورت بروز تعارض، با توجه به شرایط و میزان پایداری و تعلق افراد به هر یک از این هویت‌ها، گرایش بعدی آنها قابل ارزیابی است. در هر حال، بین افراد وفادار به دولت ملی و افراد جهان‌وطنی، تفاوت آشکاری در نگرش و رفتار وجود دارد که می‌تواند در حوزه‌های رفتاری اجتماعی و امنیتی بروز یابد. (۱۷) موضوعی که می‌تواند پیامدهای زیادی برای دولت

ملی و عملکرد آن در برابر مقابله با تهدیدها داشته باشد و یا به بروز تهدیدهای جدید در جهان منجر شود.

افراد جهان‌وطنی نسبت به حقوق خود و وظایف دولت و نهادهای آن، از جمله پلیس، آگاهی بیشتری دارند. انتظارات آنها بیشتر و خواسته‌هایشان فزون‌تر است. آنها بیش از اینکه افراد راضی و قانع باشند، افرادی با توقع و مطالبه‌جو هستند. این افراد با مقایسه عملکرد نیروهای انتظامی کشورها با یکدیگر، انتظار دارند خدمات مناسبی دریافت نمایند. همچنین، آنها نگاه متفاوتی به امنیت و سازمان‌های مربوطه دارند. تأمین امنیت و آسایش از یک سو و رعایت آزادی‌های فردی از سوی دیگر، حقوق اولیه‌ای است که آنها از دولت طلب می‌کنند و انتظار دارند دولت، ضمن حفظ حریم خصوصی افراد، با تهدیدها مقابله و امنیت آنها را تأمین نماید.

غفلت از شرایط و تهدیدهای ناشی از جهانی‌شدن موجب افزایش آسیب‌پذیری‌های پلیس در شناخت تهدید و ابزارهای جدید آن از یک سو و ناکارآمدی آن در برابر انجام وظایف و انتظارات افراد جامعه، از سوی دیگر می‌شود و در صورتی که تفاوت بین برداشت تصمیم‌گیرندگان و نیروهای اجرایی پلیس با واقعیت و محیط جدید زیاد باشد، سیاست‌ها و اقدامات آنها در تأمین امنیت نمی‌تواند چندان قرین موفقیت باشد. (۱۸)

جهانی‌شدن بر عرصه‌های دیگر امنیت نیز تأثیر گذاشته، به گونه‌ای که در اثر آن، امنیت عمومی نیز به صورت غیرمستقیم، تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه، فضای اقدام نیروی پلیس از آن متأثر شده است. جنگ و ماهیت آن به شدت از جهانی‌شدن تأثیر پذیرفته است. گسترش جهانی‌شدن بر چهار حوزه زیر تأثیر گذاشته است:

۱. تناوب جنگ میان دولت‌های ملی،
۲. سطح هزینه‌های نظامی و اندازه نیروهای مسلح در سراسر جهان،
۳. میزان مشارکت در امنیت چندجانبه از سوی نهادها و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی،
۴. چالش تروریسم جهانی. (۱۹)

از میان آنها، دو مورد آخر، بیش از حوزه‌های دیگر بر روی وظایف و مأموریت پلیس تأثیر می‌گذارد. افزایش مشارکت نهادها و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در امور مربوط به

حوزه‌ای که قبلاً به طور کامل داخلی محسوب می‌شد و در اختیار و انحصار دولت ملی قرار داشت، تعیین مرزهای تمایز برای انجام اقدامات لازم و پیشبرد اهداف نیروهای پلیس را دشوار کرده است. اقدامات پلیس با واکنش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی روبرو می‌شود. دولت و به تبع آن پلیس، ناگزیر است برای کاهش فشارهای بین‌المللی و افکار عمومی جهان، اقدامات خود را تا حد ممکن با قواعد و هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی تطبیق دهد و یا از تعارض آشکار میان آنها بکاهد. (۲۰)

یکی دیگر از مجاری تأثیرگذاری جهانی‌شدن بر وظایف و مأموریت‌های پلیس، تأثیر آن بر فن‌آوری است. فن‌آوری، در حوزه لوازم و تجهیزات، هم مورد استفاده عوامل کنترل‌کننده شورش‌ها و تهدیدها و هم مورد استفاده گروه‌ها و سازمان‌ها و حتی افراد تروریستی است. تغییر فن‌آوری، همیشه عنصر اساسی در تاریخ جهان بوده است، اما میزان تغییرات فن‌آوری در سال‌های اخیر به شدت گسترش، تعمیق و افزایش یافته است، به گونه‌ای که صاحب‌نظران از آن به عنوان دنیای جدیدی یاد می‌کنند که بیشتر مجازی است و همین مجازی‌بودن، آن را از دوره قبلی متمایز می‌سازد.

فن‌آوری دنیای مجازی و برقراری ارتباطات جدید، موجب شده در این عرصه، معنای زمان و فضا تغییر یابد. در وقوع رویدادها، ارائه اخبار و اطلاعات آن، فن‌آوری «مجاورت»^۱ و «همزمانی»^۲ را به صورت بسیار دقیق‌تری نشان می‌دهد. ارائه تصاویر ماهواره‌ای و پخش تصاویر و فیلم‌های گرفته‌شده از داخل کشورها، مرز داخل و خارج و در نتیجه، حوزه انحصاری دولت ملی در برقراری امنیت و یا مبارزه با ناامنی را از بین برده و فضایی را در جهان به وجود آورده است که بیش از اینکه تحت کنترل دولت‌های ملی باشد، جولانگاه شرکت‌ها، سازمان‌ها و افراد است. این تحولات، جوامع مجازی را گسترش داده و به شکل‌گیری فضای سیاسی و امنیتی جدیدی منجر شده که بیش از اینکه زمین‌پایه باشد، فضا محور است و بیش از اینکه مادی و فیزیکی باشد، مجازی و اطلاعاتی است. اطلاعات و اخبار در آن به سرعت گسترش می‌یابد و به نگرش و رفتارهای افراد شکل می‌دهد. فن‌آوری

1 . proximity
2 . Simultaneity

در بی‌اعتبار کردن سرزمین نقش اساسی ایفا کرده و موجب بروز فضایی شده که در آن، تهدیدها بیش از اینکه سنتی باشند، دانش‌محورند. (۲۱)

در حوزه تروریسم و مبارزه با آن، جهانی‌شدن عوارض سنگینی برای موقعیت سه کشور عراق، افغانستان و پاکستان داشته است. بروز تروریسم در جهان و شروع جنگ علیه تروریسم در این سه کشور، موجب شده آنها به صحنه تقابل دو نیروی مؤثر امروزی در جهان تبدیل شوند. تروریسم و مقابله با آن، این سه کشور را به عرصه میدان و زورآزمایی آمریکا و متحدانش از یک طرف و نیروهای القاعده و حامیان آن از سوی دیگر بدل کرده است. این وضعیت ممکن است به درهم ریختگی داخلی این سه کشور تا ۱۵ سال آینده منجر شود (۲۲) که به دلیل همجواری ایران با آنها، می‌تواند عوارض و پیامدهای امنیتی قابل ملاحظه برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

این پیامدها می‌تواند به شکل‌های گوناگون بروز فاجعه انسانی و هجوم آوارگان و پناهندگان به ایران، گسترش ناامنی در آن سوی مرزهای ایران و سرایت آن به ایران، افزایش کشت مواد مخدر در افغانستان و پیامدهای آن بر ایران، حاکمیت گروه‌های سلفی تندرو در این کشورها یا در برخی از مناطق آنها و حمایت از گروه‌های سلفی در ایران، انجام اقدامات تروریستی علیه مراکز و اتباع ایرانی و یا شیعیان در این کشورها و حمله به اهداف ایرانی در داخل قلمرو آن باشد. بروز هر کدام از آنها می‌تواند پیامدهای امنیتی سنگینی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد و چالش‌های امنیتی زیادی را برای ایران و نیروهای نظامی و انتظامی آن به وجود آورد. لازمه مقابله با این چالش‌ها، بازبینی در مأموریت‌ها و تجهیزات سازمان نیروی انتظامی و به ویژه، نحوه همکاری آن با سایر نهادهای امنیتی و نظامی است. (۲۳)

در بعد اقتصادی نیز جهانی‌شدن محیطی فراهم کرده که در برخی حوزه‌ها، بر مأموریت و اقدامات پلیس تأثیر می‌گذارد. در جهان امروز، اقتصاد جهان و عناصر تولیدکننده، مصرف‌کننده، تاجر، سرمایه‌گذار و بخش‌های مالی، ملی و منطقه‌ای، محلی، و فردی آن در هم ادغام شده‌اند. اما جمع آنها، عددی نیست. حاصل آنها بیش از جمع‌شان است. هریک از این بخش‌ها می‌توانند بر بخش‌های دیگر و کلیت اقتصاد و سایر ابعاد حیات اجتماعی بین‌المللی تأثیر بگذارند. (۲۴)

اقتصاد عصر جهانی‌شدن با اقتصاد کشورهای بسته تفاوت اساسی دارد. کشورهای بسته در جهان سوم، عموماً اقتصادی بسته دارند و بخش خصوصی ضعیف است. همچنین، اقتصاد این کشورها تک‌محصولی است که در اختیار دولت قرار دارد. چنین اقتصادهایی، توان رقابت با اقتصادهای باز و پیشرفته را ندارند؛ به ویژه اینکه، نیروی محرکه اقتصاد در جهان امروز، از بخش مواد خام و تولید انبوه و کارخانه‌ای به حوزه علم و فن‌آوری تغییر یافته و اقتصاد دانش‌محور، مبنای رشد و پیشرفت در جهان شده است. در صورت فقدان آمادگی لازم و برخورد حساب‌شده از سوی رهبران کشورهای جهان سوم و از جمله جمهوری اسلامی ایران، جهانی‌شدن اقتصاد می‌تواند عوارض زیانبار اجتماعی گسترده‌ای در پی داشته باشد. ناتوانی در رقابت در بازارهای جهانی می‌تواند به تضعیف بیشتر اقتصاد این کشورها منجر شود و عوارض اجتماعی و سیاسی متعددی را به همراه آورد. (۲۵)

به صورت مستقیم، جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد، به بروز پدیده‌های مجرمانه نسبتاً جدیدی منجر شده که یکی از معروف‌ترین آنها پول‌شویی است. نیروی پلیس نیز عملاً درگیر این حوزه شده که قبلاً چنین حوزه و مأموریتی برای آن متصور نبود. با گسترش جهانی‌شدن، می‌توان انتظار داشت پلیس بیش از پیش در این حوزه وارد شود و مأموریت‌های بیشتری را در این زمینه برعهده بگیرد.

الک کرامن^۱، در فصل ۵ کتاب «تهدیدها و ابزارهای جدید تهدید»، به بررسی تلاش‌های انجام‌شده به منظور مقابله با پول‌شویی به عنوان تهدید نوین امنیتی پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که مسئله اساسی در برخورد با این تهدید، همکاری بازیگران بخش خصوصی و دولتی با یکدیگر است. مهمترین مشکل در زمینه مبارزه با پول‌شویی، عدم تناسب هزینه و فایده ناشی از این اقدامات است که از نظر نویسنده، همکاری فوق می‌تواند آن را برطرف سازد؛ چرا که مبارزه با پول‌شویی، در واقع، نوعی هدف عمومی است که بیشتر به نفع بازیگران بخش خصوصی است و عدم منفعت دولت‌ها در این امر، می‌تواند آنها را از هزینه‌کردن در این زمینه بازدارد، اما در صورت همکاری و تعامل کنش‌گران غیردولتی در این بخش، می‌توان بر این مشکل فائق آمد. (۲۶)

جهانی‌شدن در حوزه فرهنگ و ارتباطات نیز پیامدهای گسترده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با تفکر و نظام سیاسی اسلامی، نمونه‌ای نسبتاً نادر در جهان است. جهانی‌شدن بر پایه پیشرفت‌های فکری لیبرالیسم و تمدن غرب شکل گرفته است. جدا از برخی ابعاد فنی و تکنیکی، جهانی‌شدن دارای بار فکری خاصی است که در برخورد با نظام ارزشی و فکری کشورهای دیگر، موجب اصطکاک‌هایی در سطح جامعه و نظام ارزشی آنها می‌شود. به ویژه اینکه، در جمهوری اسلامی ایران، بعد دینی حکومت بسیار قوی و ارزش‌های مشروعیت‌ساز بر اساس آنها بنیان نهاده شده است. گسترش موج جهانی‌شدن و افزایش آگاهی‌های مردم در داخل کشورها می‌تواند سطح انتظارات آنها را از حکومت و نهادهای حکومتی افزایش داده و آنها را خواستار رفتارهای منطبق یا نزدیک به معیارهای جهانی نماید.

پخش انواع فیلم‌های پلیسی از رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی و آشنایی مردم با نحوه رفتار پلیس کشورهای غربی با شهروندان و متهمان، نمونه‌های مشخصی را برای مقایسه به مردم عرضه می‌دارد. با گسترش ارتباطات و رسانه‌های رایانه‌محور، این روند سرعت غیرقابل تصویری خواهد یافت. به ویژه، با ساخت نرم‌افزارهای ترجمه‌ای که به صورت محدود و در مورد برخی زبان‌ها استفاده می‌شود، مانع زبانی کم‌رنگ شده و فاصله زمانی، بار دیگر از بین خواهد رفت. (۲۷)

در چنین شرایطی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با وضعیتی روبرو می‌شود که می‌توان آن را شکاف میان واقعیت و انتظار نامید. این شکاف به بروز نارضایتی از عملکرد نیروی انتظامی در برخورد با شهروندان منجر می‌شود و ممکن است در صورت عدم اتخاذ تدابیر لازم و ارائه آموزش لازم به پرسنل، به تشدید تنش‌ها و اقدامات مخرب علیه ارکان دولت منتهی شود. اگر این روند در حوزه‌ها و بخش‌های دیگر حکومت نیز اتفاق بیفتد، می‌تواند به از بین رفتن مشروعیت مسئولان، برنامه‌ها، قوانین، و در نهایت، نظام سیاسی منجر شود و موقعیت و مشروعیت آن را با خطر جدی روبرو سازد. در همین حال، این روند مختص شهروندان در بیرون از نهاد انتظامی کشور نیست. در سال‌های آینده و با گسترش جهانی‌شدن و ارزش‌ها، روش‌ها و منش‌های یکسان در جهان، افراد شاغل در نیروهای نظامی

و انتظامی نیز در معرض این روندها قرار گرفته و از آن تأثیر می‌پذیرند. به نظر می‌رسد، نیروی انتظامی با رصد کردن روندهای جهانی‌شدن و پویش‌های اجتماعی، باید خود را نسبت به شرایط جدید آماده سازد.

جدا از برداشت‌های متفاوتی که در مورد جهانی‌شدن وجود دارد، تغییرات به وجود آمده در یک دهه گذشته، نشان می‌دهند ما به مرحله ناشناخته‌ای گام می‌گذاریم و فضایی را که قبلاً تجربه و درک نکرده‌ایم، تجربه می‌کنیم. ورود به این فضا در عصر جهانی‌شدن، به سرعت در حال انجام است. ماهیت نظام بین‌الملل و سیاست بین‌الملل در حال تغییر است. هیچ کس آن را تجربه نکرده، ولی چنان با سرعت در حال نزدیک‌شدن به ماست که اگر خود را آماده نکنیم، گرفتار چالش‌های بی‌شماری خواهیم شد (۲۸) و برای کشور و نظم جامعه بسیار خطرناک است.

امنیت غیرفیزیکی، تنوع تهدیدها، و برجسته‌شدن هویت‌ها، تأثیرات مهم جهانی‌شدن در حوزه امنیت هستند که علاوه بر سازوکارهای تهدید امنیت و راه‌های مقابله با آن، بر مفهوم امنیت نیز اثر گذاشته‌اند. این تأثیرات امنیتی به جهت‌گیری‌های رفتاری در سیاست خارجی دولت‌ها منجر می‌شود. نخست، جهانی‌شدن موضوعات دو فضای داخلی و خارجی را که قبلاً تلاش می‌شد از هم جدا باشند، به هم پیوند می‌دهد و در هم تأثیر می‌گذارند. آنها اکنون با موضوعاتی روبرو هستند که می‌توان آنها را ترکیبی از موضوعات داخلی و خارجی (دارجی یا همان داخلی-خارجی) دانست. در این فضا، دولت‌ها با مسائلی روبرو هستند که بین امنیت داخلی و خارجی هستند. دوم، جهانی‌شدن در حوزه تلاش دولت برای تأمین امنیت، به ابتکارات و طرح‌های دیوانی^۱ در دولت منتهی می‌شود که انجام موفقیت‌آمیز آنها در گرو همکاری با بازیگران فراملی و فراملی دیگر است که بیش از اتحادهای سنتی است؛ سوم، جهانی‌شدن محاسبه توانمندی‌های نسبی کشورها را به شدت پیچیده و غیرخطی کرده است. بالاخره، جهانی‌شدن شیوه‌های جدید جنگیدن را مطرح کرده و در توانایی اندیشه راهبردی بازدارندگی عقلانی تردید اساسی ایجاد کرده است. محیط امنیتی جدید در قرن ۲۱، به صورت فزاینده با دو فضای در هم تنیده هویت جهانی‌شدن و ملی قابل تعریف است. (۲۹)

جهانی شدن، همانند اکثر پدیده‌های اجتماعی، چندبعدی و در همین حال، کمتر شناخته شده است. تهدیدها و فرصت‌ها، به طور همزمان، در درون آن قرار دارند. شناخت دقیق و آمادگی قبلی، موجب برخورد مناسب با چالش‌های جهانی شدن است و ناآشنایی با آن، فرصت‌ها را از بین برده و تهدیدها و چالش‌های آن را دوچندان می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های مهم تصمیم‌گیری در سیاست، این است که سیاستمدار به هنگام تصمیم‌گیری، بر همه ابعاد موضوع اشراف ندارد. تصمیمات سیاسی معمولاً در فضای کدر، ناشفاف و غیرقطعی اتخاذ می‌شود. (۳۰) در عصر جهانی شدن، این فضای نامعین، کدرتر و مبهم‌تر شده است. در نتیجه، تلاش برای روش‌کردن ابعاد موضوعات از اهمیت بیشتری برخوردار است.

براساس نوشته چارلز تیلی^۱، دولت مدرن با جنگ به وجود آمده و جنگ از سوی دولت‌های مدرن ایجاد شده است. با دولت مدرن، سرزمین، قدرت نظامی و امنیت ملی با هم ترکیب شده‌اند. در عصر نظام دولت ملی و در فقدان هرگونه اقتدار جهانی، امکان نقض صلح و ثبات همیشه محتمل است و قدرت نظامی ملی، تنها وسیله تأمین بقا و امنیت دولت محسوب می‌شود. (۳۱) با جهانی شدن، دولت‌های ملی با محیطی روبرو هستند که با نظام بین‌المللی رایج تفاوت‌های اساسی دارد و در نتیجه، با تهدیدها و فرصت‌هایی روبرو هستند که کمتر شناخته شده‌اند. شناخت این تهدیدها و فرصت‌ها در نگرش و عملکرد همه ارکان دولت، از جمله نیروی انتظامی تأثیر دارد.

پراکندگی و پیچیدگی قدرت، درک و شناخت آن را مشکل‌تر ساخته است. در همین حال، این موضوع موجب شده عوامل مؤثر در ایجاد، حفظ و تقویت قدرت، کمتر شناخته شده و تغییر و تحول در توزیع قدرت در سطح جهانی، به سرعت دگرگون شود. در این شرایط، بازیگران و کشورها و سازمان‌هایی می‌توانند موفق باشند که از توان شناختی بالایی برخوردار باشند و بتوانند به سرعت موقعیت و عوامل مؤثر جدید در قدرت را درک کرده و نسبت به آن واکنش مناسب و درستی بدهند. (۳۲)

1. Charles Tilly

جلوه‌های تغییر در نظام بین‌الملل و جهانی‌شدن را می‌توان در قالب ظهور بازیگران جدید فراملی و فراملی جستجو کرد. این بازیگران، به سه شکل، موقعیت دولت ملی را به چالش می‌کشند. دولت‌های ملی و ارکان حکومت، از یک طرف به شدت تحت فشار نیروهایی هستند که بدون توجه به مرزها و محدودیت‌های سنتی دولت ملی، در سطح جهانی و فراملی عمل می‌کنند. آنها سازمان‌ها، گروه‌ها و شرکت‌هایی هستند که فراتر از دولت ملی عمل می‌کنند. برخی از این بازیگران، نقش مثبت و برخی، نقش تخریبی دارند.

شکل دوم چالش دولت‌های ملی در سطح جهانی، شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهایی است که از سوی دولت‌های ملی ایجاد می‌شوند، ولی با توجه به کارکرد و توانمندی‌های خود، فراتر از دولت‌های مؤسس و عضو عمل می‌کنند و با همگرایی بیشتر، به تدریج، حاکمیت ملی را محدود کرده و بر ظرفیت و قدرت خود می‌افزایند و احتمال دارد در آینده جایگزین دولت ملی شوند. از سوی دیگر، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی هستند که از درون دولت ملی را به چالش کشیده و عملکرد و اختیارات آن را مناسب و مفید برای جامعه خود نمی‌دانند. دولت را بیش از اینکه مفید برای خود و جامعه خود تلقی کنند، عامل مشکلات و محدودیت‌ها معرفی کرده و خواستار شکل‌گیری نهادها و سازمان‌هایی متفاوت از دولت هستند. این جریان، مشروعیت دولت ملی را در انجام وظایف ذاتی، به ویژه برقراری امنیت و توزیع قدرت و ایجاد بستر لازم برای تولید ثروت زیر سؤال برده و آن را رد می‌کند. (۳۳)

ظهور و افزایش بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌های غیردولتی، تروریست‌ها، افراد دارای حاکمیت و مانند آن، با به چالش کشیدن حاکمیت دولت، منجر به بروز تهدیدات نوین (مانند جنگ داخلی، تروریسم، بیماری‌های لاعلاج و غیره) علیه دولت‌ها می‌گردد و از طرف دیگر، بروز تهدیدات نوین و عدم توانایی دولت‌ها برای مقابله با آنها، زمینه گسترش نقش بازیگران غیردولتی در عرصه امنیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد. نویسنده کتاب «تهدیدهای جدید و بازیگران جدید» معتقد است مقابله با تهدیدات نوین در نظام بین‌الملل، نیازمند همکاری بازیگران دولتی و غیردولتی با یکدیگر می‌باشد که وی آن را موجب شکل‌گیری نوعی «حکومت‌داری امنیتی»^۱ در سطح جهانی نامیده است. (۳۴)

در حکومت‌داری جهانی، نیروی پلیس صرفاً در چارچوب امنیت ملی اقدام نمی‌کند. جهانی شدن تهدیدها نیازمند جهانی شدن راه حل‌ها و اقدامات مقابله است. نیروی انتظامی هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی از عهده تهدیدهایی که جنبه جهانی یافته‌اند، برآید. همکاری میان نیروهای امنیتی و پلیسی کشورهای مختلف، ضرورتی گریزناپذیر است. این همکاری می‌تواند در ابعاد و مراحل مختلف فعالیت‌های نیروی پلیس صورت گیرد.

همکاری پلیس کشورها با یکدیگر، در قالب اینترپل، سابقه‌ای طولانی دارد، اما در حکومت‌داری امنیتی جهان، این همکاری بسیار عمیق‌تر، حرفه‌ای‌تر و گسترده‌تر است. این همکاری صرفاً در تعقیب و بازداشت افراد محکوم نیست. آنها در مراحل گوناگون کشف جرم و اقدامات تروریستی تا تبادل اطلاعات و آموزش‌ها با هم همکاری می‌کنند و به نظر می‌رسد با گسترش و پیچیده‌تر شدن خطر تروریسم، این همکاری باید شکل وسیع‌تری به خود بگیرد. در زمانی که مرزهای تهدید داخلی و خارجی از بین رفته است، (۳۵) تفکیک مرزهای مبارزه با تروریسم و تهدیدهای امنیتی، بیش از اینکه هماهنگ با نیازها باشد، نشان‌دهنده ناتوانی در تغییر دادن عادت‌های مسئولان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی - امنیتی است.

قاچاقچیان مواد مخدر و شبکه‌های تروریستی فراملی در عصر جهانی شده، نقش اساسی در بروز تهدید علیه دولت‌ها دارند. شبکه‌های غیرقانونی، شباهت‌های متعددی با یکدیگر دارند. آنها دارای ساختارهای حیطة‌بندی شده، سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری ساده و توانایی تطبیق بالای سازمانی هستند که به آنها توان تحرک بالایی می‌دهد. (۳۶)

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در مرزهای شرقی کشور، نشان‌دهنده نارسایی بزرگ در رسیدن به هدف است. قاچاق مواد مخدر از افغانستان، صرفاً مسأله جمهوری اسلامی ایران نیست. این اقدام، تهدیدی علیه بشریت و مردم در مناطق مختلف جهان است. جمهوری اسلامی ایران نه به تنهایی قادر به مقابله با این تهدید است و نه باید چنین مسئولیتی را بپذیرد. موفقیت در مقابله با تهدید جهانی قاچاق مواد مخدر، نیازمند راه‌کارهای بین‌المللی با مشارکت جوامع و سازمان‌های مختلف اطلاعاتی و عملیاتی در این حوزه است. به همین صورت است تهدید حملات تروریستی و راهبردهای مبارزه با آن که

باید در سطح جهانی و با همکاری و مشارکت جوامع صورت گیرد. بیماری‌های فراگیر جز با همکاری و مشارکت اغلب جوامع و نیروهای انتظامی و اداری آنها امکان‌پذیر نیست. (۳۷)

میان ظهور تهدیدات نوین و گسترش نقش بازیگران جدید، رابطه معناداری وجود دارد. گسترش تهدیدات فراملی مانند تروریسم، جنایات فراملی، ایدز و بیماری‌های لاعلاج و غیره، مستقیماً بر اثر افزایش روزافزون نقش بازیگران خصوصی و غیردولتی در موضوعات امنیتی است، به گونه‌ای که تهدیدات و بازیگران غیردولتی، عوامل مهمی در امنیت معاصر به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، اتکا بر سازمان‌ها و راهبردهای سنتی در نیروی انتظامی نمی‌تواند راه‌کار درستی در مقابله با تهدیدات و برقراری امنیت باشد. همکاری میان سازمان‌های تخصصی، بخشی از راه حل است و به نظر می‌رسد همچنانکه نقش بازیگران غیردولتی در بروز تهدیدات نوین امنیتی مانند جنگ‌های داخلی، جنایات فراملی، تروریسم و مانند آن، غیرقابل انکار است، سازمان‌های غیردولتی به عنوان تأمین‌کنندگان امنیت، می‌توانند نقش قابل توجهی در تأمین امنیت در جهان معاصر ایفا نمایند. (۳۸)

ب. تحول در مفهوم و نمادهای امنیت و قدرت

جهانی‌شدن علاوه بر تأثیر گسترده در بروز محیط جدید امنیتی، تأثیر شگرفی در عوامل و ابزارهای جدید امنیت و راه‌کارها و راهبردهای مقابله با تهدیدات دارد و به دگرگونی مفهوم امنیت و توزیع قدرت در جهان و تحول ابعاد آن منجر شده است. مردم و صاحب‌نظران، اکنون از امنیت صرفاً معنا و مفهوم سنتی، یعنی فقدان تهدید فیزیکی را مراد نمی‌کنند. امنیت در مفهوم جدید، صرفاً به حوزه نظامی، اقدامات خشونت‌آمیز و جرایم سنتی محدود نمی‌شود. (۳۹)

در جهان امروز، امنیت ابعاد گوناگونی به خود گرفته و دولت‌ها و به تبع آنها، سازمان‌های دولتی تأمین‌کننده امنیت با مسئولیت‌های فزاینده روبرو شده‌اند. مقابله با تهدیدات جدید که با جهانی‌شدن ابعاد وسیعتری یافته است، در حوزه وظایف دولت‌ها قرار گرفته و مردم کشورها انتظار دارند دولت با تمام توان در مقابل این نوع تهدیدات ایستاده و امنیت مردم خود را تأمین کند. (۴۰)

همچنین، دولت‌ها می‌دانند در صورت کوتاهی در مقابله با این نوع خطرات و تهدیدات، هزینه‌های آنها در مراحل بعدی فزون‌تر می‌شود و ممکن است کوتاهی در مقابله با تهدیدات جدید، به تضعیف مشروعیت آنها در میان مردم و در نتیجه، سقوط دولت منجر شود. بین درک برداشت مردم از مفهوم امنیت، وظایف دولت به طور عام، نیروی پلیس به صورت خاص و میزان مشروعیت آنها در بین مردم در داخل و خارج، رابطه معناداری وجود دارد. تغییر در برداشت مردم از مفهوم امنیت، به گسترش انتظارات آنها از دولت و ارکان آن منجر شده و در صورت ناتوانی دولت در انجام وظایف خود در تأمین امنیت به مفهوم جدید، با بحران مشروعیت روبرو می‌شود که در نهایت، ممکن است به سقوط دولت در جامعه بیانجامد. (۴۱)

رهایی از ترس، رهایی از نیاز، و فراهم‌بودن آزادی افراد در انتخاب راه و سبک زندگی، در حال تبدیل شدن به معیارهای جهانی برای تعریف امنیت هستند. برنامه توسعه انسانی سازمان ملل آنها را در گزارش‌های خود ارائه داده و بر اساس آنها به سنجش میزان امنیت در جوامع می‌پردازد. (۴۲)

اکنون نگاه سنتی به امنیت که آن را به نبود تهدید فیزیکی علیه افراد تعبیر می‌کرد و ابزار تأمین آن را سلاح و راه و روش ممکن را استفاده از زور می‌دانست، به حاشیه رفته است. نظریه واقع‌گرایی به بی‌تفاوتی اخلاقی و اتخاذ رویکرد کوتاه‌بینانه نسبت به امنیت و نظریه لیبرالیسم و تکثرگرایی، به خودخشنودی از اینکه چگونه قواعد و هنجارهای جامعه بین‌المللی نگران‌های انسانی را دربر می‌گیرد، متهم هستند. (۴۳) برداشت سلبی از امنیت، نگاه سنتی و تقلیل‌گرایانه است و قدرت نظامی و زور تنها یکی از ابزارهای تأمین امنیت به حساب می‌آید که به رغم ظاهری توانمند و کشش زیاد برای سیاستمداران، استفاده از آن با محدودیت‌های بیشتری روبروست و با شرابط امروزی، نتایج کمتری به بار می‌آورد. (۴۴)

ج. مأموریت‌های پلیس: تحولات و الزامات جدید

جهانی‌شدن، محیط اقدام و محیط تصمیم‌گیری پلیس را با تحولات گسترده‌ای روبرو ساخته است. مهمترین وظیفه و مأموریت پلیس، برقراری امنیت در جامعه است. پلیس یکی از نهادهای دولتی در امر برقراری نظم در جامعه است.

جهانی‌شدن ابزارهای تهدید، محیط زندگی اجتماعی، حوزه قلمرو اعمال حاکمیت دولت ملی و محیط روانی و فکری افراد جامعه، تصمیم‌گیرندگان و نیروهای مسؤل در برقراری نظم و امنیت را تحت تأثیر قرار داده و وضعیت جدیدی را به وجود آورده که بدون درک درست این محیط تصمیم‌گیری، اقدام در آن نمی‌تواند با موفقیت همراه باشد. بدون شناخت دقیق این محیط و تغییرات به وجود آمده در آن، هزینه‌های اقدام نیروی انتظامی به شدت افزایش می‌یابد و ممکن است در درازمدت به تحلیل نیرو و کارآمدی آن منجر شود.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، ضرورت برقراری نظم و امنیت در جامعه، همچنان پابرجاست. آنچه تغییر یافته، برداشت مردم و دولت از قدرت، امنیت و نظم از یک سو و ابزارها و شیوه‌های تهدیدکننده امنیت و نظم در جامعه، از سوی دیگر است که به شدت دگرگون شده‌اند. بدون شناخت این دگرگونی‌ها و بازنگری در سازوکارهای اعمال قدرت از طرف دولت و مقاومت از سوی نیروهای تهدیدکننده، راه‌های تأمین امنیت و نظم با توجه به شرایط جدید می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرد.

پلیس در گذشته، اساساً ماهیت داخلی و نظامی - امنیتی داشت. مسؤلان پلیس وظایف خود را در ارتباط با دولت و مردم داخل کشور تعریف می‌کردند. پلیس در جهان امروز، نیرویی با مأموریت‌ها و مسؤلیت‌های گسترده در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی و در حوزه داخلی و خارجی است که به شدت به هم پیوند خورده‌اند. (۴۵) موفقیت پلیس در رسیدن به اهداف و انجام درست مأموریت‌ها، نیازمند شناخت محیط جدیدی است که با محیط بین‌المللی مرزهای دقیقی ندارد و موضوعات آن را نمی‌توان به راحتی به داخلی و خارجی تقسیم کرد. بازیگران این عرصه، صرفاً دولت‌های ملی نیستند و قواعد بازی تنها از سوی آنها تعیین نمی‌شود. قواعد بازی تغییر یافته و در این تغییر، بازیگران جدید نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. (۴۶) موفقیت آن در تأمین اهداف، نیازمند همکاری با دولت‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در عرصه جهانی است.

در محیط جدید، بازیگران جدیدی ظهور کرده و چالش‌های جدیدی شکل گرفته‌اند که در دنیای قدیم حضور نداشتند و تأثیری بر نظم و امنیت جامعه نمی‌گذاشتند. بازیگران فراملی، چالش‌های بین‌المللی رو به گسترش، ابزارهای جدید تهدید امنیت و نظم، شیوه‌های جدید

اعمال قدرت و مقاومت در جهان، ابزارهای جدید ارتباط‌گیری و سازماندهی و بالاخره، برداشت مردم و دولت از مفهوم امنیت و نظم در جامعه، تعامل مردم، دولت و پلیس را در انجام وظایف و مأموریت‌ها به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

پلیس بدون شناخت محیط جدید و درک تحولات آن نمی‌تواند به شکل‌گیری بازیگران جدید، ماهیت چالش‌ها و راه‌های مقابله با آنها پی‌ببرد. پلیس عصر جهانی شده نیازمند بازنگری در بسیاری از ساختارها، رویکردها، راهبردها و عملکردهاست تا بتواند از عهده چالش‌های جدید برآید و به مقابله مؤثر با آنها برخیزد. (۴۷)

دولت ملی و حکومت که مسئول نهاد انتظامی در جامعه است، با دگرگونی مفهومی روبرو شده است. بر خلاف واژه «حکومت»^۱ که دلالت بر سیستم کنترل و سیاستگذاری متمرکز دولتی دارد، حکومتداری ناظر بر سیستمی از سیاستگذاری غیرمتمرکز و پراکنده توسط بازیگران دولتی و غیردولتی در سطوح فروملی، ملی و بین‌المللی است. (۴۸) در حکومتداری امنیتی، همکاری میان کنش‌گران دولتی و غیردولتی، حالتی شبکه‌ای دارد. (۴۹) به عبارت دیگر، در اثر این دگرگونی‌ها، نوعی نظام «حکومتداری امنیتی»^۲ ظهور یافته که در آن، ایجاد و تأمین امنیت و سیاست‌گذاری‌های امنیتی، مشترکاً برعهده شبکه‌ای از دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است و نیازمند همکاری تنگاتنگ کنش‌گران متفاوت با یکدیگر می‌باشد. حکومتداری امنیتی مبتنی بر همکاری میان بازیگران مختلف است و تغییر استراتژی امنیتی کنش‌گران نظام بین‌الملل به سوی همکاری را نشان می‌دهد.

نهادهای انتظامی نیز به تبع تغییر در نوع و مفهوم حکومت‌داری امنیتی از یک سو و تغییر در محیط عملیاتی و محیط روانی از سوی دیگر، ناگزیرند برای تأمین امنیت و برقراری نظم در جامعه، تغییرات لازم را در سازمان، ساختار، ابزارها و شیوه‌های برقراری نظم و امنیت به وجود آورند. (۵۰)

گسترش ارتباطات یکی از مظاهر و در همین حال، عوامل مهم جهانی شدن و تغییرات به وجود آمده در جهان امروز است؛ به گونه‌ای که در مواردی، جهانی شدن به گسترش ارتباطات

1 . Government
2 . Security Governance

تعبیر می‌شود. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مستقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر ارتباطات و تغییرات به وجود آمده در آن قرار گرفته است. ارتباطات، ابزارهای جدیدی را برای برقراری نظم و برهم زدن آن به وجود آورده است. این ارتباطات، کاربردهای چندگانه و پیچیده‌ای دارند. برخورد ساده با آنها می‌تواند تأثیرات زیادی در سایر بخش‌ها به وجود بیاورد. ابزارهای ارتباطی کنونی را نمی‌توان به بخش‌های مفید، غیرمفید، دولتی و غیردولتی، ابزارهای تهدیدکننده و ابزارهای امنیت‌ساز تقسیم و با یکی برخورد و دیگری را به حال خود رها کرد. فرصت و تهدید، در دل ابزارهای ارتباطی به شکل وسیع و پیچیده، در هم تنیده و برخورد با آن، نیازمند جراحی پیچیده و دقیق است، نه تفکیک سریع و ساده. (۵۱)

هدف اصلی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز همانند نیروی پلیس سایر کشورها، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. به تبع تغییر در محیط و عوامل مؤثر در برهم زدن نظم و امنیت از یک سو و ابزارهای تأمین امنیت و برقراری ثبات در جامعه از سوی دیگر، مأموریت‌ها، راهبردها، شیوه‌ها و ابزارهای پلیس در تأمین هدف و انجام موفقیت‌آمیز وظایف آنها دگرگون می‌شود.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری که متأثر از تجارب گذشته، محیط کنونی و نگاهی به آینده است، این تغییرات را در نظر گرفته و برای رسیدن به موفقیت گام برمی‌دارد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای انجام موفقیت‌آمیز مأموریت و تأمین اهداف خود، ناگزیر است در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به تغییرات حاصل از جهانی‌شدن توجه نماید. این تغییرات، مناسبات، نگرش‌ها و نگاه مردم و مسئولین را به پلیس دگرگون کرده و بدون در نظر گرفتن آنها نمی‌توان به موفقیت پلیس در تأمین امنیت امیدوار بود. لازمه سیاست‌گذاری موفق، شناخت تغییراتی است که در اثر جهانی‌شدن در فضای روانی و عملیاتی پلیس به وجود آمده است. امید است این مقاله گامی مؤثر در ایجاد حساسیت و شناخت این تغییرات و تأثیرات آن بر وظایف و عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران باشد.

نتیجه‌گیری: چشم‌انداز تحولات و نیروی انتظامی ایران

لازمه تصمیم‌گیری درست، داشتن اطلاعات دقیق از محیط، تعیین اهداف واقعی و برخورداری از توانایی لازم برای اجرای برنامه‌ها و انجام مأموریت‌هاست. جهانی شدن موجب شده است سرعت تغییرات به شدت افزایش یابد، بر پیچیدگی‌های جامعه افزوده شود و ابهام و عدم قطعیت در مورد انگیزه‌ها، اهداف، توانایی‌ها و سیاست‌های دیگر بازیگران در محیط داخلی و بین‌المللی تشدید شود. در چنین فضایی، شناخت محیط بسیار سخت و نیازمند نیروهایی است که از توان بالایی در شناخت تحولات و تطبیق با شرایط جدید برخوردار باشند.

جهانی شدن سرعتی بسیار بالا دارد و روند تحولات در دو دهه گذشته، نشان داده است هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از تأثیرات آن به دور باشد. تأثیرات جهانی شدن در همه ابعاد حیات اجتماعی قابل ملاحظه است. همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی جامعه ایران از روند جهانی شدن تأثیر پذیرفته و به نظر می‌رسد این تأثیرات در آینده، سرعت بیشتری نیز خواهد گرفت.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از سازمان‌های مسئول امنیت و نظم در جامعه، از چند جهت در معرض تحولات جهانی شدن و پیامدهای آن است. محیط امنیتی، دگرگون شده است. ابزارهای تهدید، انتظارات مردم از پلیس و مفهوم امنیت، در اثر جهانی شدن به شدت متحول شده و ابعاد جدیدی یافته‌اند. به تبع گسترش ارتباطات، از افول حاکمیت ملی در کنترل مرزها، ایجاد فضای مجازی و گسترش فزاینده آن در عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی و ورود ابزارهای جدید تهدید، دامنه مأموریت پلیس به لحاظ موضوعی گسترش یافته و ابعاد بیشتری به خود گرفته است.

پلیس برای تأمین اهداف و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت‌های خود در تأمین امنیت و برقراری نظم، ناگزیر به بازبینی در شناخت خود از فضای اجتماعی، فضای روانی مردم و انتظارات آنها از نیروی پلیس، تجدید نظر در سازمان، ساختار، نیروی انسانی و نحوه آموزش آنهاست تا نیرو و سازمانی مناسب و کارآمد با وضع جدید به وجود آورد و در تأمین نظم و امنیت جامعه موفق‌تر از گذشته عمل کند.

تحولات و پیامدهای جهانی‌شدن، آن قدر سریع است که در صورت غفلت از آن، جامعه و دولت از چرخه این روند بیرون مانده و آسیب بیشتری را متحمل می‌شوند. در عین حال، گریزی از جهانی‌شدن نیست و دولت‌ها حق انتخابی برای همراهی یا کناره‌گیری از آن ندارند. در همین حال، جهانی‌شدن همانند اکثر پدیده‌های اجتماعی دارای مزایا و معایبی است و همزمان، در درون خود، فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگونی جای داده است. برخورد آگاهانه با موضوع می‌تواند از تأثیرات منفی آن کم کرده و دستاوردهای مثبت را برای کشور افزایش دهد و غفلت از آن می‌تواند موجب تشدید پیامدهای منفی جهانی‌شدن برای کشور و از جمله نیروی انتظامی شود.

یادداشت‌ها

1. David Held, *Democracy and the global order: from the Modern State to Cosmopolitan Governance*, Chicago: Stanford University Press, 1995, p. 36.
۲. در مورد معانی، انواع و سطوح قدرت، نک:
- Felix Berenskoetter and M. J. Williams (eds.), *Power in World Politics*, New York: Routledge, 2007.
۳. نک: حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی، ویرایش دوم، ۱۳۷۴.
۴. در مورد مؤلفه‌های قدرت و نحوه اندازه‌گیری آنها به گزارش پژوهشی زیر مراجعه شود:
- Gregory F. Treverton, Seth G. Jones, *Measuring National Power*, RAND Corporations, 2005.
5. See, Malcolm Waters, *Globalization*, New York: Routledge, Second ed., 2001.
6. See, Roland Robertson, *Globalization: Social Theory and global Culture*, New York: Sage, 1992.
7. Mary Geske, 'Globalization is What States Make of It: Constructivism, US Foreign Economic Policy and the Peso Crisis', *International Politics*, Vol. 37, September 2000, p. 301-322,
8. Thomas Risse, 'Social Constructivism Meets Globalization', Prepared for David Held/Anthony McGrew (eds.), *Understanding Globalization: Theories and Controversies*, Cambridge: Polity Press, forthcoming, 2004, pp. 1-2.
9. See, Robert Keohane and Josef Nye, *Power and Interdependence*, 2nd ed., Glenview ILL: HarperCollin, 1989.
10. Morten Ougaard and Richard Higgott (eds.), *Towards a Global Polity*, London: Routledge, 2002, pp. 2-4.
11. Sean Kay, 'Globalization, Power, and Security', *Security Dialogue*; Vol. 35, No, 1, 2004, p. 9-25.
12. Manuel Castells, 'The New Public Sphere: Global Civil Society, Communication Networks, and Global Governance', *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 616, 2008, p. 78.
۱۳. در این مورد به نرم‌افزارهای ترجمه و یا برنامه ترجمه گوگل از زبان‌های مختلف به یکدیگر، گام‌های اولیه، اما مهم و مؤثر در این عرصه است و در آینده، تأثیر شگرفی بر مبادلات فرهنگی و جهانی شدن ارزش‌ها و نگرش‌ها خواهد داشت.
14. Richard W. Mansbach and Kirsten L. Rafferty, *Introduction to Global Politics*, New York: Routledge, 2008, p. 443.
15. Paul Nelson and Ellen Dorsey, 'New Rights Advocacy in a Global Public Domain', *European Journal of International Relations*, Vol.13, No.2, 2007, pp. 187-216.

16. Jens Bartelson, 'Making Sense of Global Civil Society', *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 3, 2006, pp. 371-395.
17. Yale H. Ferguson and Richard W. Mansbach, *Remapping Global Politics: History's Revenge and Future Shock*, New York: Cambridge University Press, 2004, Ch. 5.
۱۸. در مورد تأثیر جهانی‌شدن بر برداشت سیاستمداران، نک: Timothy Hellwig, 'Globalization and Perceptions of Policy Maker Competence', *Political Research Quarterly*, Vol. 60, No. 1, 2007, pp. 146-158.
19. T.V. Paul and Norrin M. Ripsman, 'Under Pressure? Globalisation and the National Security State', *Millennium - Journal of International Studies*, Vol. 33, No. 2, 2004, p. 356.
۲۰. بحثی که نظریه‌پردازان سازه‌انگاری از آن با عنوان جامعه‌پذیری دولت‌ها در جامعه بین‌المللی یاد می‌کنند. نک: Dale C. Copeland, 'The Constructivist Challenge to Structural Realism: a Review Essay', in Stefano Guzzini and Anna Leander (eds.), *Constructivism and International Relations*, London: Routledge, 2006, p. 1-20.
21. Yale H. Ferguson and Richard W. Mansbach, *Remapping Global Politics: History's Revenge and Future Shock*, New York: Cambridge University Press, 2004, p. 273.
22. National Intelligence Council, *Global Trends 2025: A Transformed World*, November 2008, p. 72. Available at: www.dni.gov/nic/NIC_2025_project.html
۲۳. در این مورد، ضعف‌های نهادهای امنیتی و پلیسی آمریکا در مقابله با حملات تروریستی به سرزمین این کشور در ۱۱ سپتامبر و طرح کمیسیون ۱۱ سپتامبر برای بازسازی این نهادها و نحوه همکاری آنها با یکدیگر آموزنده است. نک: یزدان‌فام، محمود (به اهتمام)، *راهبرد امنیت ملی آمریکا*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
24. Anoushiravan Ehteshami, *Globalization and Geopolitics in the Middle East*, London: Routledge, 2007, p. 2.
۲۵. در خصوص تأثیرات ناکارآمدی اقتصادی جوامع و تأثیر آنها بر بروز بحران‌های سیاسی اجتماعی، به کتاب زیر مراجعه شود. آلون ی. سو، *تغییرات اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
26. Elke Krahan (ed.), *New Threats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005.
۲۷. شرکت گوگل، نرم‌افزار ترجمه‌ای را در تارنمای خود قرار داده که متون را از زبان‌های مختلف به یکدیگر ترجمه می‌کند و این امکان را فراهم می‌سازد تا افراد جوامع گوناگون محدودیت‌های زبانی برقراری ارتباط با یکدیگر را کم‌تر کنند. با توجه به پیشرفت علم و فن‌آوری، به نظر می‌رسد در آینده نزدیک در این حوزه تحولات شگرفی روی دهد و افراد و جوامع بیش از پیش و راحت‌تر از گذشته بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند.
28. Yale H. Ferguson and Richard W. Mansbach, *Remapping Global Politics: History's Revenge and Future Shock*, New York: Cambridge University Press, 2004, p. 1.
29. Victor D. Cha, 'Globalization and the Study of International Security', *Journal of Peace Research*, Vol. 37, No. 3, 2000, pp. 391-403.

30. See, Adam Gordon; *Future Savvy: Identifying Trends to Make Better Decisions, Manage Uncertainty, and Profit from Change*, New York: Broadway, 2008.
31. David Held, Anthony McGrew, *Globalization /Anti-Globalization: Beyond the Great Divide*, US: Polity, Ed. 2, 2007, pp. 44-45.
۳۲. نک: جوزف اس. نای، قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
33. Elke Krahman (ed.), *New Threats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005.
34. Elke Krahman (ed.), *New Threats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005.
35. Karl A. Seger, *Utility Security: the New Paradigm*, US: PennWell, 2003, p. 34.
36. Elke Krahman (ed.), *New Treats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005, p. 76-78.
37. Elke Krahman (ed.), *New Treats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005. Ch. 5.
38. Elke Krahman (ed.), *New Threats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005.
۳۹. در این مورد، نک:
- Edward A. Kolodziej; *Security and International Relations*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
۴۰. در مورد تحول در مفهوم امنیت و تأثیر آن بر دولت و انتظارات مردم، نک: محمود یزدان‌فام، "دگرگونی در مفهوم امنیت بین‌الملل"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۸۶، ۷۵۰-۷۲۵.
41. See, Edward Newman and Oliver P. Richmond (eds.), *The United Nations and Human Security*, Macmillan: Palgrave, 2001.
42. Tim Dunne and Nicholas J. Wheeler, 'We the Peoples': Contending Discourses of Security in Human Rights Theory and Practice, *International Relations*, Vol. 18, No. 1, pp. 9-23.
۴۳. در این مورد، نک: اصغر افتخاری، احمد امیدوار و غلامرضا خواجه سروی، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹.
44. John Bailey, Lucia Dammert, *Public Security and Police Reform in the Americas*, University of Pittsburgh Press, 2006, p. 1-23.
45. Philip G. Cerny, 'Globalization and the Changing Logic of Collective Action', in, Charles Lipson, Benjamin J. Cohen Theory and Structure in *International Political Economy*, US: MIT Press, Edition 2, 2000, pp. 111-142.
46. Stephen Cope, Frank Leishman, Peter Starie, 'Globalization, new public management and the enabling State: Futures of police management', *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 10, No. 6, 1997, pp. 444-460.
47. Elke Krahman (ed.), *New Threats and New Actors in International Security*, New York: Palgrave, 2005, p. 11.

۴۸. شبکه‌ها، مجموعه‌ای از کنش‌گران هستند که دارای منافع مشترک در حوزه‌های موضوعی خاص بوده و از طریق روابط رسمی یا غیررسمی پایدار با یکدیگر مرتبطند.

49. Sven Bislev, 'Globalization, State Transformation, and Public Security', *International Political Science Review*, Vol. 25, No. 3, 2004, p. 281-296.

۵۰. اینترنت، تلفن همراه، دوربین‌های فیلم‌برداری، شبکه‌های گوناگون مجازی و غیره، ابزارهای جدیدی هستند که فرصت‌های بزرگی را برای حیات اجتماعی بشر به وجود آورده‌اند و موجب تسهیل در برقراری ارتباطات، سرمایه‌گذاری و به طور کلی، تولید ثروت و رفاه و آشنایی و نزدیکی ملل به یکدیگر شده‌اند. در همین حال، هر کدام از این ابزارها دارای ابعاد منفی هستند که می‌توانند تأثیرات ناگواری را به وجود بیاورند. نک:

Tanner, Samuel. and Dupont, Benoit, The organizational challenges of deploying police as international peacekeepers: The Canadian perspective, All Academic, Inc. Available at: http://www.allacademic.com/meta/p_mla_apa_research_citation/1/2/5/7/2/pages125729/p125729-1.php